



فصل هشتم

مبانی رهبری در اسلام

حجة الاسلام والمسلمین محمّدی ری شهری

معیار بازشناسی اصول دین

همان‌طور که در مبحث عدل از سلسله درس‌هایی از اصول عقاید اسلامی توضیح دادیم: دین، عبارت است از برنامه تکامل انسان، و اصول دین به معنای پایه‌های اصلی و اساسی آن برنامه است، و فروع دین شاخه‌هایی است که بر این پایه‌ها استوار می‌گردند. هیچ دلیلی که اثبات کند اصول و یا فروع اسلام منحصر است در آنچه به عنوان اصول دین و یا فروع دین معروف شده وجود ندارد، تنها معیار و ضابطه برای تشخیص اصول اسلام و جداسازی آن از فروع، نقش آنچه به عنوان پایه‌های اسلام مطرح می‌شود در تحقق عینی آرمانهای توحیدی و ارزشهای اسلامی است.

و بر این مبنا، اگر عقیده و یا عملی در عینیت یافتن اسلام در امعه آنقدر نقش داشته باشد که بدون آن، اسلام مفهوم واقعی خود را دست بدهد، آن عقیده و یا عمل از اصول بنیادین این آئین آسمانی محسوب می‌گردد، اکنون با عنایت به این ضابطه جایگاه امامت و رهبری را از دیدگاه قرآن و حدیث مورد بررسی قرار می‌دهیم:

جایگاه رهبری از نظر قرآن

از نظر قرآن کریم امامت و رهبری اصلی‌ترین شرط تحقق عینی اسلام ناب در جامعه بشر است و بر این اساس در میان اصول بنیادین اسلام، باید از والاترین جایگاه برخوردار باشد، در این زمینه دو تعبیر ذیل در قرآن کریم جداً شایان تأمل و دقت است:

۱- امامت پیمان خدا است

قرآن کریم امامت و رهبری امت توسط انسان کامل را که موقعیتی فوق نبوت است، عهد و پیمان الهی می‌نامد:

«وَاذِئْتَنِي اِبْرَاهِيمَ ربه بِكَلِمَاتٍ فَاتَمَّهَنُ قَالَ اِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ

اِمَامًا قَالِ وَمَنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَآ اَنْبِئُكَ عَهْدِي اَلْظَالِمِينَ»^۱

و هنگامی که خداوند ابراهیم را به شکل‌های مختلف آزمایش کرد و او بخوبی از عهده آن آزمایش‌ها برآمد «خداوند فرمود» که من تو را امام برای مردم قرار دادم «ابراهیم گفت» از دوستان من «بیز

آنچه در مقالات گذشته مورد بحث بود عبارتند از: تعریف امامت، مراتب امامت، و فلسفه امامت و اکنون جایگاه امامت و رهبری در اسلام، طی مقالاتی از نظر علاقمندان به این سلسله مباحث خواهد گذشت.

جایگاه رهبری در اسلام

اسلام برای رهبری سیاسی جامعه اسلامی تاجه اندازه اهمیت قابل است؟ آیا مسئله رهبری در ردیف مسایل اصولی اسلام قرار دارد یا بدین پایه از اهمیت نمی‌رسد؟ و بالاخره آیا امامت از اصول دین است چنانچه شیعه می‌گوید، یا از فروع دین است آن‌طور که اهل سنت معتقدند؟

برای پاسخ به این سؤال، دو مسئله باید مورد بررسی قرار گیرد:

- ۱- معیار شناخت اصول و فروع دین.
- ۲- آیات و احادیثی که در زمینه جایگاه رهبری در اسلام وارد شده است و تطبیق آنها با معیار مذکور.

امامانی قرار ده» خداوند فرمود: پیمان من «مقام امامت» به مستکاران نمی رسد.

در این آیه کریمه خداوند امامت را پیمان خود نامیده و تأکید می کند که تنها کسی می تواند امانت دار این پیمان گردد که در تمام عمر، مطلقاً آلوده به ظلم ننگردد،^۳ اکنون باید دید که مقصود از پیمان بودن رهبری انسان کامل چیست؟ و خداوند با امام قرار دادن انسان کامل با چه کسی و چگونه پیمان می بندد.

ظاهراً تردیدی نیست که طرف پیمان در مسئله رهبری مردم هستند، خداوند متعال با امام قرار دادن انسان کامل برای مردم، در واقع با آنها پیمان بسته که آنها را به سعادت و کمال شایسته خود برساند، تکامل مادی و معنوی انسان که فلسفه نبوت است در گرو وفا کردن او به پیمان امامت و رهبری الهی است، یعنی اگر مردم به پیمان خدا وفا کنند و تسلیم رهبری که خداوند امامت او را تأیید کرده بشوند، خداوند نیز به پیمان خود وفا می کند و نعمت و سعادت و خوشی دنیا و آخرت را به آنها عنایت می فرماید.^۴

۲- امامت راه پروردگار است

انبیاء الهی در مقابل کارهایی که برای هدایت و نجات و آزادی مردم انجام می دادند هیچ گونه مزد و پاداشی طلب نمی کردند، آنها خدمتگزارانی بودند بی مزد و منت و این نکته بسیار مهمی است در رهبری راهبران الهی که قرآن کریم مکرراً بر آن تأکید نموده است، نخستین پیامبر اولوالعزم حضرت نوح علیه السلام صریحاً اعلام می فرمود که خدماتش به جامعه مجانی است،^۵ حضرت هود، صالح، لوط و شعیب هم به این معنا تصریح می فرمودند.^۶

نکته مهم و قابل توجه این است که پیغمبر اسلام صلی الله علیه وآله بدستور خداوند متعال ضمن نفی هرگونه درخواست مادی در مقابل خدماتش، مودت قربی و دوستی نزدیکانش را به عنوان مزد رسالتش طلب می نماید، در سوره شوری آیه ۲۳ چنین آمده است:

«قُلْ لَا اسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ»

بگو در مقابل خدمت من مزدی از شما نمی خواهم جز دوستی نزدیکانم.

در اینجا چند سؤال مطرح است:

اولاً: چرا پیغمبر اسلام دوستی نزدیکانش را به عنوان پاداش رسالت خود خواسته؟

ثانیاً: مودت قربی چگونه می تواند پاداش خدمات پیامبر اسلام در موقعیت نبوت و رسالت باشد؟

ثالثاً: نزدیکانی که مودت و دوستی آنها پاداش رسالت پیغمبر است چه کسانی هستند؟

قرآن کریم خود به این سؤالها پاسخ داده است، در سوره سبأ آیه ۴۷ می خوانیم:

«قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ مِنْ أَجْرِ فِعْلِهِمْ إِنِّ أَجْرِي إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ.»

بگو آنچه من از شما مزد رسالت خواستم آن هم به سود شما است، مزد من فقط با خدا است و او بر هر چیز گواه است.

یعنی من هرگز چیزی را برای نفع شخصی خود از شما نخواسته و نخواهم خواست من هم مثل همه پیامبران خدا بی مزد و منت خدمتگزار مردم هستم و آنچه را به عنوان مزد طلب کردم در حقیقت، چیزی نیست که منافع شخصی مرا تأمین کند، بلکه به عکس منافع شخصی و اجتماعی شما را تأمین می نماید، و این تعبیر برای تأکید بر اهمیت مسئله است.

این موضوع در آیه ۵۷ از سوره فرقان توضیح بیشتری داده شده است:

«قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَشْكُرَ إِلَيَّ رَبِّهِ سُبْحَانَ اللَّهِ»

بگو من از شما مزد رسالت نمی خواهم، اجر من همین بس که هر که بخواهد راه پروردگار خود را پیش گیرد.

وقتی این سه آیه را که درباره مزد رسالت پیامبر اسلام است کنار هم بگذاریم و جمع بندی کنیم، بسادگی به این نتیجه می رسیم که قرآن کریم افراد خاصی از نزدیکان پیغمبر اسلام را به عنوان راهنمای راه خداوند متعال که همان راه تکامل انسان است معرفی می کند و تومیه و تأکید می نماید که مسلمین برای حفظ منافع فردی و اجتماعی خود با آنها پیوند مودت برقرار سازند.

دقیقاً مثل اینکه کسی بگوید: اگر می خواهی به مقصد برسی راهنمایان این راه را دوست داشته باش، این بسود تو است، چون این پیوند سبب می شود که گمراه نشوی و مقصد را گم نکنی.

بنابراین مقصود قرآن کریم از کسانی که مودت آنها را واجب دانسته نیز تا حدودی مشخص می شود، که مقصود افرادی از نزدیکان پیامبر اسلام است که سبقت هدایت و راهنمایی و رهبری جامعه اسلامی از جانب خداوند متعال به آنها سپرده می شود، زیرا رهبر الهی است که راه خدا را آنگونه که هست دقیقاً می داند و می تواند جامعه را به این راه هدایت نماید و آنها چنانکه در احادیث قطعی از پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله آمده، اهل بیت عصمت و طهارت هستند.

بقیه در صفحه ۲۳

در راه تحقق این وظیفه مهم سنگ اندازی کند و موجب بهم خوردن و ضعف این اجتماع یا اختلال در هدف آن گردد مقصر و مسؤول است.

۶- پاکیزگی

دین اسلام دین نظافت و پاکیزگی است و در این دین الهی به نظافت و پاکیزگی اهمیت فوق العاده ای داده شده است بطوری که این موضوع یکی از امتیازات این دین محسوب میشود و بر اساس تعالیم اسلامی باید نور نظافت نه تنها آرزیدن و لباس و خانه مسلمان بلکه از کویچه و خیابان و شهر و مملکت آنها بنیاید و نیز نه تنها از ظاهر بلکه قلب و جان آنها بنور و پاکیزگی تقوا روشن باشد.

بقیه از مبانی رهبری در اسلام

محدثین اهل سنت^۶ از این عباس روایت کرده اند که وقتی آیه «مؤذنت قریبی» نازل شد، اصحاب گفتند:

«یا رسول الله من قرانک آلذین وجبت علینا مؤذنتهم؟»

ای رسول خدا کیستند نزدیکان که خداوند مؤذنت آنها را واجب

نموده است؟

پیامبر اسلام فرمود:

«علی وفاطمة وائمهنا.»^۷

آنها عبارتند از: علی و فاطمه و دو فرزند آنها.

جمع بندی و نتیجه گیری مذکور صریحاً در دعای ندبه ذکر شده است، در این دعا در مقام نیایش خطاب به خداوند متعال چنین می گوئیم:

«ثم جعلت اجر محمد صلواتک علیه و آله مؤذنتهم فی کتابک فقلت: «فل لاأسألکم علیه اجر إلا أئمة فی القری» وقلت: «ماأسألکم من اجر فهو لکم» وقلت: «ماأسألکم علیه من اجر إلا من شاء أن یخذ إلى ربه سبیل» فكانوا هم السبیل إلیک واکملک إلی رضوانک.»

... سپس مزد محمد (درود تو بر او و خاندانش) را در کتاب خود قرآن، مؤذنت آنها «اهل بیت» قرار دادی و گفتی بگو: «من در

این نکته تیز روشن است که نظافت و پاکیزگی آنوقت در نظر اسلام ارزشمند است که با کیفیت و فورمول اسلامی انجام بگیرد و در عقبه ششم صراط سؤال مربوط به نظافت است.

۷- حقوق مردم

شدیدترین مواقف و عقبات پل صراط عقبه سؤال از حقوق مردم است که خداوند متعال سوگند یاد کرده است که از ظلم هیچ ظالمی نگذرد و حق مظلوم را هر که باشد از ظالم بگیرد. حضرت صادق علیه السلام در تفسیر آیه شریفه «إن یتک لبالمصدا»^۸ فرمودند مرصدا قنطره و گرده ای است در پل صراط و هر کس که در گردش مظلمه ای و حقی باشد نمیتواند از آن بگذرد.^۹ در پایان این مقاله از خداوند برای همه مسلمانان توفیق عمل بوظایف اسلامی و لطف و

کمک برای ثابت ماندن گامها در پل صراط و آسان گذشتن از این عقبات را خواستاریم و این مطلب که در روایات اسلامی مکرر آمده است که پل صراط از مودقیقتر و از شمشیر قاطع تر است شاید کتابه از دقت و قاطعیتی است که در رابطه با موضوعاتی که ذکر گردید بعمل خواهد آمد «اللهم تبنت أقدمانا علی الصراط»

ادامه دارد

- ۱- سوره مریم. آیه ۷۱.
- ۲- بحار الانوار. ج ۸ ص ۷۰.
- ۳- تفسیر العیزان. ج ۱۴ ص ۱۰۰.
- ۴- بحار الانوار ج ۸ ص ۷۰.
- ۵- کفایة المؤمنین. ج ۳ ص ۳۲۱.
- ۶- بحار الانوار. ج ۸ ص ۶۴.
- ۷- بحار الانوار. ج ۸ ص ۶۶.
- ۸- بحار الانوار. ج ۸ ص ۶۷.
- ۹- سوره فجر. آیه ۱۴.
- ۱۰- کفایة المؤمنین. ج ۳ ص ۳۲۶. ۳۳۰.

مقابل خدمت از شما مزدی نمی خواهیم جز مؤذنت قریبی و گفتی: «آنچه به عنوان مزد خواستیم به سود شما است» و گفتی: «من از شما مزد نمی خواهیم، اجر من همین بس که هر که بشواید راه پروردگار خود را پیش بگیرد» بنابراین آنها «خاندان رسالت» را تو و طریق وصول به مرضات تو بودند.

نکته قابل توجه اینکه قرآن کریم نه تنها امامان خاندان رسالت را راهنمایان راه خدا، بلکه آنها را راه خدا می داند، نمی گوید: امام راهنما است بلکه می گوید: امام راه است، تاکید بر اینکه تکامل مادی و معنوی انسان و وصول او به فلسفه آفرینش خویش راهی جز امامت رهبری رهبران الهی ندارد.

ادامه دارد

- ۱- نگاه کنید به کتاب عدل در جهان بینی توحید، درس دوم.
- ۲- سوره بقره. آیه ۱۲۴.
- ۳- در این زمینه در محبت «شرایط امامت» بیشتر توضیح خواهیم داد.
- ۴- «الذکروا نعمتی الی نعمت علیکم واولوا بهدی اوف بههدکم». نعمتی را که بر شما ارزانی داشته ام یاد کنید و به پیمان من وفا کنید، به پیمان شما وفا خواهیم کرد. (سوره بقره. آیه ۱۰).
- ۵- نگاه کنید به سوره شعراء. آیات ۱۰۹، ۱۲۸، ۱۲۵، ۱۶۴، ۱۸۰.
- ۶- صحیح بخاری، صحیح مسلم، مستند ابن حنبل. تفسیر ثعلبی.
- ۷- دلائل القصد. جلد ۲ صفحه ۷۵.